

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه باقر العلوم (ع)

عنوان

آراء عرفانی علامه طباطبائی
(با تأکید بر رساله الولاية)

استاد راهنما

دکتر محمد فتاوی اشکوری

استاد مشاور

حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان

دانشجو

فاطمه آریناهی ایستادگی

دانشگاه باقر العلوم (ع)

۱۳۸۷

اطلاعات مرکز علمی بزرگ
شماره ثبت مرکز

۱۳۸۸ / ۴ / ۶

۱۱۵۴۵۲

تقدیم به :

اولین نمود هستی

پیامبر نور و رحمت (ص)

حقیقتی که بودن عالم را معنا می کند

چکیده :

حقیقت خلقت بشر از ابتدا بر این استوار است که او روح خداوندی را در سینه دارد. از نظر عرفا انسان برای کمتر از کمال استجلاء خلق نشده است. او تنها مظهر وجودی است که توانایی حمل بار امانت الهی را بر دوش دارد و شأن او کمتر از این نخواهد بود. اما تقدیر الهی بر دوری او در این عالم قرار گرفته است. انسان برای رسیدن به این مقصود باید سفر کند تا به این مقصد برسد او در این راه ممکن است با سختی های فراوانی دست و پنجه نرم کند، ولی عشق به این راه او را از هدف دور نخواهد کرد. عرفا انسان هایی هستند که تمام اراده و هدف شان را در پی به دست آوردن این مقام به کار می گیرند تا به آن حقیقت برسند و از وجود محبوب خویش بهره ها گیرند و این فراق را به وصال تبدیل کنند به قول حافظ شیرین سخن :

اگر به دست من افتد فراق را بکشم که روز هجر سیه باد و خانمان فراق

این گروه پس از این اسفار طولانی برای باز ماندگان خود شرح ما وقع می کنند تا آنان را مشتاق تر و دلهای آنان را با چیستی و چگونگی این راه آشنا کنند و از زیبایی ها و سختی های سفر برای آنان در سفر نامه هاشان راز های نا دیدنی بگویند.

علامه طباطبایی نیز از بزرگ عرفایی بودند که برای این سفر روحانی سفر نامه ای تنظیم کردند و از راه ها و بیراهه های سفر و زاد و توشه مورد نیاز سخن ها گفتند که کار این پژوهش واکاوی نظرات ایشان در چگونگی رسیدن به مقصد و نتایج آن است.

علامه در طی فصول چهار گانه و با توضیح پیرامون شرح عوالم و مراتب انسان بهترین راه سلوک را معرفت نفس می دانند و ابزار کمکی او را نیز همراه داشتن لوازمی چون عبادت از روی حب و اشتیاق و اخلاص در عمل می دانند. انسان باید در این مسیر خود را مجهز به سلاح مراقبه و محاسبه نماید تا در این راه از ادامه سفر باز نماند. این سفر نامه بسیار خواندنی و جذاب است. آن را به پیشگاه تمام دوست داران راه سلوک اش تقدیم می دارم.

تقدیر و تشکر

بدون تردید اگر پژوهش حاضر گامی هر چند مختصر در راستای اندیشه های پژوهشی برداشته باشد مدیون راهنمایی و همکاری اساتید گراتقدیری است که از خرمن معرفت آنان توشه چیده ام. بر خود لازم می دانم که از استاد محترم جناب دکتر محمد فتایی اشیکوری که راهنمایی این پژوهش را به عهده داشتند سپاسگذاری نمایم. و از استاد گرامی جناب حجه الاسلام والمسلمین دکتر محمد مهدی گرجیان که از مشاوره های ایشان در مراحل تدوین پایان نامه بهره مند شدم قدردانی نمایم.

همچنین از جناب حجه الاسلام دکتر احمد واعظی ریاست محترم دانشگاه باقرالعلوم (ع) که مساعدت لازم در این زمینه داشته اند تشکر و قدردانی می نمایم. و جای دارد از همیاری ها و کمک های خاص همسرم که نقش بی بدیلی در این میان ایفا کردند سپاسگذاری ویژه ای نمایم.

فهرست مطالب

فصل اول

- ۲ بیان مساله :
- ۳ اهداف فایده و اهمیت تحقیق :
- ۳ مفروضات :
- ۳ سوال اصلی و سوالات فرعی :
- ۴ فرضیه پژوهش :
- ۴ مفاهیم کلیدی پژوهش :
- ۴ سابقه پژوهش :
- ۵ روش پژوهش :
- ۵ سازمان دهی پژوهش :
- ۶ مفاهیم :
- ۶ عرفان و مراد از آن عرفان نظری و عملی
- ۷ معنای ولایت و مراد از ولایت خدا
- ۹ زندگی نامه عرفانی علامه

فصل دوم

- ۱۶ گفتار اول: هم سو بودن برهان عرفان و وحی از منظر علامه
- ۱۹ راه استدلال
- ۱۹ راه تهذیب و تصفیه

- ۲۱ گفتار دوم: انقسام وجود به واجب و ممکن
- ۲۱ مقدمه
- ۲۱ اصالت وجود
- ۲۲ واجب و ممکن
- ۲۳ اثبات وجود واجب تعالی
- ۲۴ وجودات امکانی
- ۲۵ گفتار سوم: عوالم وجودی
- ۲۹ گفتار چهارم: وحدت وجود
- ۳۳ عالم عقل
- ۳۴ عالم مثال
- ۳۵ گفتار پنجم: قوس صعود و نزول

۴۱ فصل سوم

- ۴۲ مقدمه
- ۴۲ لزوم بحث از ظاهر و باطن
- ۴۳ گفتار اول: مراحل وجودی موجودات
- ۴۴ اول: عناصر
- ۴۴ دوم: جمادات
- ۴۵ سوم: نباتات
- ۴۵ چهارم: حیوان
- ۴۵ گفتار دوم: اشاره به خلقت انسان
- ۴۷ گفتار سوم: درجات و عوالم انسان
- ۵۲ گفتار چهارم: سازگاری و ناسازگاری روح با عوالم پس از مرگ
- ۵۲ سازگاری روحی با عوالم بعد از مرگ
- ۵۴ ناسازگاری ملکات با عالم قدس

گفتار پنجم: اضطراب در راه به سوی او ۵۵

گفتار ششم: ظاهر و باطن و عوالم انسانی ۵۷

بیان دلائل قرآنی ۶۰

دلائل روایی ۶۲

گفتار هفتم: راهیابی به باطن عالم برای همگان امکان پذیر است ۶۵

گفتار هشتم: معانی حقیقی و معانی اعتباری ۶۶

انقسام معانی ۶۶

ارتباط معانی حقیقی و اعتباری ۶۷

منشأ اعتباریات ۶۸

امور اعتباری در اسلام ۶۹

گفتار نهم: مراتب و درجات اسلام و ایمان از منظر علامه (ره) ۷۳

مرتبه اول ۷۳

مرتبه دوم ۷۳

مرتبه سوم ۷۵

مرتبه چهارم ۷۷

گفتار دهم: درجات عبادت کنندگان ۸۱

فصل چهارم ۸۶

گفتار اول: علم و عمل دو بال پرواز اهل ولا ۸۷

گفتار دوم: حب و اخلاص و روابط این دو ۹۲

حب و آثار آن ۹۲

عبادت خالصانه ۹۴

عالم خلوص و اخلاص ۹۵

ثمره محبت اخلاص به خداوند است ۹۶

چگونه اخلاص محبت را به بار می آورد؟ ۹۷

- گفتار سوم : تقوای مستمر ۱۰۰
- گفتار چهارم : معرفت به آیات ۱۰۱
- معنای آیه و مراد از معرفت آیات ۱۰۱
- گفتار پنجم : سیر آفاقی به چه معناست ؟ ۱۰۳
- گفتار ششم : سیر انفسی ۱۰۷
- اقسام کسانی که به معرفت نفس پرداخته‌اند ۱۰۷
- سیر انفسی و مراد از آن ۱۰۹
- علت برتری سیر انفسی بر سیر آفاقی ۱۱۱
- چگونگی رسیدن به مقصود با سیر انفسی ۱۱۳

فصل پنجم

- ۲۱۵
- گفتار اول : فناء قیود، بقای ذات، وصول به کمال مطلق ۲۱۶
- گفتار دوم : مشاهده اسرار عالم ۱۱۹
- گفتار سوم : عوالم توحیدی ۱۲۳
- اولین عالم: توحید افعالی ۱۲۴
- معنا و منظور از فناء اراده و افعال ۲۲۶
- عالم دوم : توحید صفاتی و اسمائی ۱۲۷
- فناء ذاتی و رسیدن به کمال نهایی ۱۳۱
- آخرین رتبه و فناء از فنا ۱۳۵
- گفتار چهارم: دستاورد های اولیاء الله ۱۳۷
- اول : ازاله محبت از غیر ۱۳۹
- دوم : دوری از پلیدی و زشتی ۱۳۹
- سوم : معاف از محاسبه محشر ۱۴۰
- چهارم : تسبیح و تنزیه ولایت مداران ۱۴۱
- پنجم : حرکات و وجنات اولیاء الله ۱۴۱

۱۴۲ ششم : لقاء الله

۱۴۲ هفتم : نبود حسابرسی در قیامت و نعمات بهشتی

۱۴۳ هشتم : حمد پروردگار

۱۴۸ نتیجه گیری

۱۵۱ فهرست منابع

فصل اول

طرح تحقیق ، مفاهیم

و زندگی نامه علامه

بیان مساله :

با توجه به جایگاه والای مرحوم علامه طباطبایی (ره) که از متفکران برجسته در تاریخ تفکر اسلامی می باشند، زنده نگه داشتن اندیشه های عرفانی این عالم فرزانه تلاشی برای تداوم و تعمیق باورهای اسلامی و جلوگیری از انحطاط، استحاله و تحریف معارف و مبانی عرفانی در این عصر می باشد. دیدگاهها و اندیشه های مرحوم علامه نیز برگرفته از منابع اصیل اسلامی و شیعی از جمله قرآن کریم می باشند. بالتبع شناسایی و معرفی آراء و اندیشه های عرفانی وی راهگشای صحیحی برای پیروان اسلام حقیقی و عمق بخشی به باورهای اعتقادی ایشان خواهد بود. با توجه به این مسائل تلاش نگارنده در این پژوهش بر این است که آراء و اندیشه های عرفانی مرحوم علامه طباطبایی با تاکید بر رساله الولایه ایشان را به بررسی بنشیند.^۱ در این پژوهش این نکته که همه انسان ها می توانند به مقامات بالایی از نظر معنوی برسند تذکر داده می شود و مسأله لقاء الله به عنوان امری روشن بیان می شود. شاید نکته ای که این رساله را یکی از بهترین رساله های عرفانی که در سده گذشته به رشته تحریر در آورده شده است این باشد که ایشان با مبنای خاص خود و با شگفتی تمام چگونگی رسیدن انسان از نفس به خدای آفریننده نفس را بیان می دارند. سیر انفسی و شکستن ظاهر به وسیله مجاهدات خالصانه و رسیدن به باطن، در پی فنای قیود و بقای وجود بحت برجسته ترین مبحث در این رساله می باشد. با توجه به مورد توجه بودن مباحث عرفانی در این عصر و ارتباط اندیشه های عرفانی با رفتارهای انسانها و رابطه مستقیم رفتار انسان با سعادت وی و از طرفی به انحراف رفتن و تحریف کردن مبانی عرفانی، پرداختن به عرفان ناب اسلامی از جمله عرفان از منظر علامه طباطبایی امری ضروری به نظر می رسد و چون در این زمینه کار علمی جدی صورت نگرفته لذا شناسایی و معرفی اندیشه ها و آراء عرفانی علامه چراغ راه رهپویان این راه عرفانی خواهد بود. این پژوهش می تواند چارچوب مناسبی برای مباحث عرفان حقیقی در جامعه امروزی باشد و نقاط قوت عرفان اصیل و عرفانهای انحرافی را نشان دهد.

۱: این رساله با عنوان « طریق عرفان » توسط آقای صادق حسن زاده ترجمه و توضیحاتی پیرامون آن داده شده است که در این تحقیق مورد استفاده قرار می گیرد.

اهداف فایده و اهمیت تحقیق :

با توجه به توجه خاص به مباحث عرفانی در این عصر و ارتباط اندیشه های عرفانی با رفتارهای انسانها و رابطه مستقیم رفتار انسان با سعادت وی و از طرفی به انحراف رفتن و تحریف کردن مبانی عرفانی، پرداختن به عرفان ناب اسلامی از جمله عرفان از منظر علامه طباطبایی امری ضروری به نظر می رسد و چون در این زمینه کار علمی جدی صورت نگرفته، شناسایی و معرفی اندیشه ها و آراء عرفانی علامه چراغ راه رهپویان این راه عرفانی خواهد بود. این پژوهش می تواند چارچوب مناسبی برای مباحث عرفان حقیقی در جامعه امروزی باشد و نقاط قوت عرفان اصیل و عرفانهای انحرافی را نشان دهد.

مفروضات :

از جمله مفروضات این است که اندیشه های عرفانی با رفتار انسانها و سعادت وی ارتباط مستقیم دارد. از دیگر مفروضات پژوهش وجود توحید های سه گانه (صفاتی، ذاتی و افعالی) در عرفان می باشد.

سوال اصلی و سوالات فرعی :

الف: پرسش اصلی این رساله را می توان چنین مطرح کرد: آراء و اندیشه های عرفانی علامه طباطبایی (با محوریت رساله الولایه) چگونه می باشد؟

ب: سوالات فرعی :

۱: هستی شناسی عرفانی و فلسفی از منظر علامه طباطبایی چیست؟

۲: انسان شناسی و درجات انسانها از منظر علامه طباطبایی چیست؟

۳: طریقه های سیر الی الله از منظر علامه طباطبایی چگونه است؟

۴: دستاوردهای سلوک عرفانی از منظر علامه طباطبایی چه می باشد؟

فرضیه پژوهش :

انسان یگانه موجودی است که می تواند با گذر از ظاهر و رسیدن به باطن این عالم به لقاء الله برسد و تا حد مقام بی اسم و رسم ذات احدیت نیز پیش رود .

مفاهیم کلیدی پژوهش:

عرفان ، ولایت

سابقه پژوهش :

در رابطه با موضوع پژوهش با تتبع در آثار منتشره خنول اندیشه علامه طباطبایی مطلب منسجمی ارائه نشده و خلأ پژوهش علمی و منسجم در این زمینه که اندیشه های عرفانی علامه را بررسی نماید محسوس بود .

در اطراف موضوع اثراتی است که اشارات مختصری به این قضیه داشته که به آنها اشاره می شود:

- مهمترین اثر ترجمه کتاب رساله الولایه می باشد تحت عنوان «طریق عرفان ترجمه و شرح رساله الولایه»^۱ به چاپ رسیده است که مترجم در آن به ترجمه کتاب پرداخته و اندکی به نقل قولهایی از نوصدرائیان و شاگردان استاد پرداخته است.
- اثری دیگر که در این زمینه انتشار یافته کتابی است از آیت الله جوادی آملی تحت عنوان «شمس الوحی تیریزی سیره علمی علامه طباطبایی»^۲. نویسنده در این اثر ضمن بررسی زندگی نامه ایشان، نگاهی به آراء و آثار عرفانی، تفسیری و فلسفی ایشان پرداخته است. ایشان در این کتاب و در قسمت عرفان عملی به آراء عرفانی علامه در کتاب رساله الولایه اشاراتی نیز داشته است .

^۱: طباطبایی محمدحسین ، طریق عرفان: ترجمه و شرح رساله الولایه ، ترجمه صادق حسن زاده ، قم : نشریکام ۱۳۸۳

^۲: جوادی آملی عبدالله ، شمس الوحی تیریزی ، قم ، اسراء، ۱۳۸۶

روش پژوهش:

روش گردآوری اطلاعات که به عبارتی فن^۱ تحقیق می باشد به صورت کتابخانه ای است اما روش پژوهش در این پژوهش توصیفی - تحلیلی است.

سازمان دهی پژوهش:

- فصل اول: طرح تحقیق، مفاهیم و زندگی نامه علامه: در این فصل در طرح تحقیق بیان مساله، اهداف، فایده و اهمیت تحقیق، مفروضات، سوالات، فرضیه، سابقه، روش و سازمان دهی پژوهش بررسی خواهد شد. در قسمت مفاهیم به مفاهیم کلیدی پژوهش پرداخته می شود و در نهایت به زندگی نامه عرفانی علامه می پردازیم.
- فصل دوم: هستی شناسی از منظر علامه: در این فصل کوشش می نمایم تا اقسام وجود واجب و ممکن را به بررسی بنشینیم. سپس بحث را با معرفی ممکنات و عوالم وجودی و چگونگی وجود یافتن این عوالم و قوس نزول که در دیدگاه علامه وجود دارد ادامه می دهیم.
- فصل سوم: انسان شناسی و درجات معنوی انسانها: در این فصل تلاش خواهیم کرد مراحل خلقت انسان، چگونگی آفرینش او و درجات مختلف انسانها در سیرالی الله را بیان نمایم نکته بسیار مهم در این فصل این است که انسان می تواند با گذر از اعتباریات و رسیدن به عوالم پشت پرده و باطنی به متن واقعی وجود پی ببرد. همچنین می کوشیم به بررسی انواع عبادات و خصوصیات و نشانه های آنها پردازیم.
- فصل چهارم: طرق سیرالی الله: در این فصل به وجود اضطرار در سفر همه موجودات به سوی خداوند می پردازیم. و پس از آن به بررسی وجود دو عامل مهم معرفت و عبادت خداوند را بررسی می کنیم.
- فصل پنجم: دستاوردهای سلوک: در این فصل دستاوردهای سلوک عرفانی از منظر علامه را بررسی می نمایم.

¹ technique:

مفاهیم:

عرفان و مراد از آن

«عرفان عبارت است از علم به اسرار حقایق دینی و عارف کسی است که به ظاهر حقیقت دینی قانع نمی‌شود بلکه در باطن آن فرو می‌رود تا اسرار آن را بشناسد»^۱
در تعریف دیگری چنین آمده است:

«عرفان یعنی شناسائی و مراد شناسائی حق است و نام علمی است از علوم الهی که موضوع شناخت آن حق و اسماء و صفات اوست و بالجمله راه و روشی که اهل الله برای شناسائی حق انتخاب کرده‌اند عرفان می‌نامند.»^۲

برای عرفان می‌توان از منظرهای گوناگون تقسیمات بسیاری شمرد ولی رایج‌ترین اتقسامات عرفان، اتقسام آن به دو بخش نظری و عملی است.

عرفان نظری و عملی

در عرفان، عمل اصل بوده و علم نیز بر عمل و حرکت استوار است. بدین ترتیب برای رسیدن به آگاهی عرفانی، انسان باید به سیر و سلوک بپردازد و از دریچاتی عبور کند. از این رو این علم به دو بخش عرفان علمی و عملی تقسیم می‌شود. عرفا عقیده دارند که برای رسیدن به حقیقت باید مراحلی را طی کرد تا نفس بتواند از حق و حقیقت بر طبق استعداد خود آگاهی حاصل کند. تفاوت عرفا با حکما در این است که عرفا تنها گرد استدلال عقلی نمی‌برند، بلکه مبنای کار آنها بر شهود و کشف است. عرفان عملی عبارت است از اجرای یک برنامه دقیق جهت گذشتن از مراحل و منازل و رسیدن به مقامات و احوالی در راه دست یافتن به آگاهی عرفانی و نیل به «توحید» و «فنا» که از آن به «طریقت» تعبیر می‌شود و عرفان نظری نیز مجموعه‌ای از تعبیرات عرفا است از آگاهی‌ها و دریافت‌های شهودی خود در باره حقیقت جهان و انسان.^۳

از نظر شهید مطهری استدلال‌ات عرفانی همانند زبانی است که از زبانی به زبان دیگر ترجمه شده باشد زیرا ماهیت عرفان نظری چیزی جز این نیست که عارف (دست کم به ادعای خویش) آنچه را که به

۱. جمیل صلیبا؛ منوچهر صانعی دره بیدی؛ فرهنگ فلسفی، ص ۴۶۷.

۲. سید جعفر سجادی، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۲، ص: ۱۲۵۳ و ۱۲۵۴.

۳. سید یحیی ینربی، فلسفه عرفان، ۳۴۵.

دیده دل مشاهده کرده برای مردم بنگارد و با زبان عقل برای همگان توضیح دهد. از این منظر عرفان اصول و مبادی کشفی را مایه استدلال قرار داده و سپس آنها را به زبان عقلی توضیح می دهد. اصلی ترین نکته ای که عرفان علمی را از فلسفه و اخلاق فلسفی برتر می کند شهود حقایق می باشد که نتیجه عرفان عملی است.

علم عرفان در صدد بیان دو حقیقت است :

اول: بیان توحید

اساسی ترین مسئله عرفان مسئله توحید است. در عرفان سخن از مطلق وجود لا به شرط است ولی در فلسفه سخن از وجود به شرط لا است. این اساسی ترین تفاوت عرفان با فلسفه است.^۱ در توحید سخن عرفا حاکی از انحصار تمام کمالات وجودی برای خداوند متعال است که این نیز از شهود ناب سرچشمه گرفته است.

دوم: بیان موحد

انسان کامل موحدی است که به فیض توحید نائل آمده است. انسان کامل دارای مقامی است که هیچ موجودی از موجودات عالم هم وزن آن نیست. اثبات وجود انسان کامل در گرو مقدمه ای است که اثبات توحید آن را به عهده می گیرد.^۲

از نظر غزالی:

«موحد کسی است که در مشاهده او جز یکی حاضر نیست، پس همه را از آن روی نبیند که بسیار است، بلکه از آن روی که یکی است، و آن عالی تر مرتبه است در توحید.»^۳

معنای ولایت و مراد از ولایت خدا

اهل لغت برای کلمه «ولایت» معانی بسیاری بر شمرده اند، لیکن اصل در معنای این کلمه بر طرف شدن واسطه در بین دو چیز است، به گونه ای که بین آن دو، واسطه ای که از جنس آنها نیست وجود نداشته باشد؛ در این صورت هر یک ولی دیگری محسوب می شوند؛ لیکن از باب استعاره به معنای

۱. مرتضی مطهری، علوم اسلامی، کلام و عرفان ص ۷۷.

۲. عبدالله جوادی آملی، تحریر تمهید القواعد، ص ۱۳.

۳. همان، ص ۵۵ و ۵۴۷.

۴. ترجمه احیاء علوم دین ج ۲، ص ۴۲۳.

دیگری نیز استعمال شده و آن نزدیکی چیزی به چیز دیگر است، حال این نزدیکی به هر وجهی که می خواهد باشد؛ چه نزدیکی مکانی، چه نسبی و خویشاوندی و چه به مقام و چه به غیر اینها.^۱ در نفحات الأنس و در تعریف ولایت چنین آمده است: «ولایت مشتق از ولی است و در عرفان عبارت از قیام عبد است بحق در مقام فنا از نفس خود»^۲

در فرهنگ اصطلاحات ملا صدرا نیز چنین آمده است: «ولایت مأخوذ از ولی است یعنی قریب و از این رو است که حبیب را ولی گویند یعنی محبوب را ولی گویند و در اصطلاح قریب و نزدیک به خدا را ولی گویند»^۳

در فرهنگ معارف اسلامی، نیز از ولایت چنین تعبیری مشاهده می شود: «الولی هو العارف بالله و صفاته»^۴

با این حساب کلمه «ولی» بر هر دو طرف ولایت اطلاق می شود. اولی ولی دومی است، و دومی ولی اولی است، پس نزدیکی برای هر دو حاصل است. به خصوص اگر معنای اصلی کلمه را که عبارت بود از اتصال دو چیز به هم و نبودن واسطه‌ای بین آن دو را در نظر بگیریم این اطلاق طرفینی روشن تر می شود، به این ترتیب یکی از آن دو چیز آن چنان در دنبال آن دیگری قرار گرفته که هیچ چیز دیگری غیر این، به دنبال آن قرار نگرفته است.

وقتی می گوئیم خدای تعالی ولی بنده مؤمنش می باشد، منظور این است که خداوند آن چنان وصل به بنده است و آن چنان متولی و مدبر امور بنده است که هیچ کس دیگری این چنین ارتباطی را با آن بنده ندارد. او است که بنده را به سوی صراط مستقیم هدایت می کند، امر می کند، نهی می کند، به آنچه سزاوار است و می دارد، از آنچه نکوهیده است باز می دارد و او را در زندگی دنیا و آخرتش یاری می کند. هم چنان که از این طرف نیز می گوئیم: مؤمن واقعی ولی خدا است، زیرا آن چنان وصل به خدا است که متولی اطاعت او در همه اوامر و نواهی او است، و تمامی برکات معنوی از قبیل هدایت، توفیق، تایید، و به دنبالش اکرام به بهشت و رضوان را از خدای تعالی می گیرد.^۵

۱. محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، ج ۱۰، ص ۱۲۹.

۲. صدر الدین قنوی، النفحات الإلهیة، تصحیح: محمد خواجوی، ص ۵.

۳. سید جعفر سجادی، اصطلاحات فلسفی ملا صدرا، ج ۱، ص ۵۲۵.

۴. همان، ج ۳، ص: ۲۱۶۴

۵. ترجمه تفسیر المیزان، همان.

زندگی نامه عرفانی علامه

علامه محمد حسین طباطبایی به سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در یک خانواده علمی چشم به جهان گشودند.^۱ این تولد ثمره ازدواج مرحوم حاجی میرزا محمد آقا طباطبایی (والد استاد علامه) که خود از علما و روحانیون و از مالکان و کشاورزان شهر تبریز بود، و والده محترمشان که از خانواده یحوی بوده اند، بوده است.

سلسله نسب ایشان از طرف پدریه یکی از اولاد حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام)، ابراهیم بن اسماعیل دیباج، می رسد و از طرف مادر از اولاد امام حسین (علیه السلام) می باشند. لذا در کتابهایی که در شادآباد تبریز نوشته اند، در آخر کتاب، با نام «سید محمد حسین حسینی طباطبایی» از خود نام برده اند. آباء و اجداد علامه همگی تا چهارده پشت از علما بوده اند و جدّ ششم ایشان، آقا میرزا محمد علی قاضی است که قاضی القضاة خطه آذربایجان بودند و تمام آن ناحیه تحت نفوذ علمی و فقهی و قضایی ایشان بوده است و روی همین جهت به قاضی ملقب، و این لقب از آن زمان در اولاد و احفاد ایشان بوده است.^۲

علامه در خانواده ای مرفه و زیر نظر پدر و مادر و مراقبت «کربلایی قلی» و «کربلایی سلطنت» که خدمتکار خانواده بودند، پرورش می یابد،^۳ تا اینکه بنا به زندگی نامه مرقوم توسط خود ایشان، در ۵ سالگی از نعمت مادر و در ۹ سالگی از نعمت پدر محروم شدند^۴ و سرپرستی زندگی ایشان را وصی پدر به عهده گرفت. پس از چندی از درگذشت پدر، به مکتب و سپس به مدرسه فرستاده شدند و بالاخره ایشان و برادر کوچکترشان که به هنگام تولد او مادر را از دست دادند، به دست معلم خصوصی سپرده شدند تا تقریباً به مدت ۶ سال تعلیمات ابتدایی و زبان فارسی را فراگیرند. ایشان بین سالهای ۱۲۹۶ - ۱۲۹۰، قرآن کریم، گلستان و بوستان، نصاب، اخلاق مصور، انوار سهیلی، تاریخ معجم، منشآت امیر نظام و ارشاد الحساب را فراگرفتند و در سال ۱۲۹۷، وارد رشته های علوم دینی

۱. محمد حسین طباطبایی، مرزبان وحی و خرد، ص ۲۹.

۲. محمد حسین حسینی طهرانی، مهرتابان، ص ۳۲ و ۳۵.

۳. مرزبان وحی و خرد، ص ۶۷.

۴. مرزبان وحی و خرد، ص ۳۹.

و عربی شدند و تا سال ۱۳۰۴ به قرائت متون، اشتغال داشتند. در این مدت از صرف و نحو و بیان و فقه تا اصول و منطق و فلسفه و کلام کتابهایی نظیر صمدیه، سیوطی، مغنی، مطول، شرح مکاسب، رسائل، کفایه، شرح شمسیه، شرح اشارات و کشف المراد را آموختند.

عنایت الهی

علامه در مورد دوران تحصیل در تبریز می فرمایند:

«در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به تحصیل نداشتم و از این جهت هر چه می خواندم برایم قابل فهم نبود. چهار سال به همین صورت گذشت. پس از آن یکباره عنایت الهی دامنگیرم شد و عوضم کرد. در خود یک شیفتگی و بی تایی نسبت به تحصیل کمال حس کردم، به طوری که از همان روز تا پایان تحصیل تقریباً هجده سال طول کشید و هرگز نسبت به تعلیم و تفکر احساس خستگی و دلسردی نکردم و زشت و زیبایی جهان را فراموش کردم، بساط معاشرت با غیر اهل علم را به طور کلی برچیدم و در خورد و خواب و لوازم دیگر زندگی به حداقل ضروری قناعت نموده، باقی را به مطالعه پرداختم. بسیار می شد (به ویژه در بهار و تابستان) که شب را تا طلوع آفتاب به مطالعه می پرداختم.»^۱

بر این پشتوانه عظیم الهی و عنایت خاصه ای که شامل حال ایشان شده بود تکیه داشتند و می فرمودند: «۱۲ سال نجف بودم. در این سالها تنها در دوازده روز عاشورا درس را تعطیل کردم.»^۲

حضور در نجف

ایشان به سال ۱۳۰۴ هجری شمسی به نجف اشرف عازم شده و یک دوره خارج اصول شش ساله و فقه چهار ساله را نزد شیخ محمد حسین اصفهانی گذرانده و هشت سال نیز در درس خارج فقه مرحوم نائینی و دوره خارج اصول ایشان شرکت کرده، و علم رجال را نیز در محضر آیه الله کوه کمری فرا گرفتند. در فلسفه نیز شاگرد فیلسوف بزرگ و معروف زمان، آقای سید حسین بادکوبی بودند و در ظرف ۶ سال که نزد ایشان تلمذ می کردند، منظومه سبزواری، اسفار و مشاعر صدر، دوره شفای بوعلی، اثولوجیای افلوطین، تمهید القواعد ابن ترکه و اخلاق ابن مسکویه را به خوبی فرا گرفتند و با سفارش استاد، از دروس ریاضی تحریر اقلیدی را به مدت دو سال و اندی در محضر

۱. غلامرضا گلی زواره ای، جرعه های جانبخش، ص ۵۳.

۲. مرزبان وحی و خرد، ص ۳۱۴.